

اشاره

«شهوت» در لغت داراي مفهوم عامي است که به هرگونه خواهش نفس و ميل و رغبت به لذات مادي اطلاق مي شود؛ گاهي علاقه شديد به یک امر مادي را نیز شهوت مي گویند.

مفهوم شهوت، علاوه بر مفهوم عام، در خصوص «شهوت جنسي» نیز به کار رفته است. واژه «شهوت» در قرآن کریم هم به معني عام کلمه آمده است و هم به معني خاص آن. در این بحث، نظر ما بیشتر به معنای خاص آن است، زیرا آثار مخرب و زیانبار آن بیش از سایر کشش های مادي است.

«شهوت» نقطه مقابل «عفت» است. «عفت» نیز داراي مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خويشتن داري در برابر هر گونه تمایل افراطي نفساني است و مفهوم خاص آن، خويشتن داري در برابر تمایلات بي بند و بار جنسي است.

«عفت» یکی از فضایل مهم اخلاقي در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انساني است؛ اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه مي شود.

مطالعات تاريخي نشان مي دهد که اشخاص يا جوامعي که بهره کافي از عفت داشته اند، از نيروهاي خداداد خود، بالاترين استفاده را در راه پیشرفت خود و جامعه خويش برده و در سطح بالايي از آرامش و امنيت زیسته اند، اما افراد يا جوامعي که در «شهوت پرستي» غرق شده اند، نيروهاي خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته اند.

طبق نظر کارشناسان حقوقي، «شهوت جنسي» در ايجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جايي که گفته شده است: «در هر جنایتي، شهوت جنسي نیز دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه آمیز باشد، ولي به يقين منشا بسياري از جنایات و انحرافات، طغیان «غریزه جنسي» و شهوت پرستي است. خون هاي بسياري در این راه ريخته شده و اموال فراواني برباد رفته، اسرار مهم کشورها به وسيله زنان جاسوسي که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از زیبایی و آلودگی یشان بوده، افشا شده و آبروي بسياري از آبرومندان در این راه ريخته شده است.

طبق بیان آیات و روایات در مي یابیم که یکی از ابزارهاي مهم شیطان همین «شهوت جنسي» است. در قرآن کریم در موارد مختلف به «عفت» و «شهوت پرستي» اشاره شده است که ما در ذیل به بررسی آنها مي پردازیم:

1 - فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوت فسوف یلقون غیا × الا من تاب و آمن و عمل صالحا فاولئك یدخلون الجنة و لا یظلمون شیئا (سوره مریم، آیه 59 و 60)

2 - واللہ یرید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما (سوره نساء، آیه 27)

3 - و لو طأ اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین × انکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب اللہ ان کنتم من الصادقین (سوره عنکبوت، آیه 28 و 29)

4 - و لما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا يوم عصيب × و جاءه قومه يهرعون اليه و من قبل كانوا يعملون السيئات قال يا قوم هؤلاء بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله و لاتخزون في ضيقي اليس منكم رجل رشيد × قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من حق و انك لتعلم ما نريد × قال لو ان لي بكم قوة او ءاوي الي ركن شديد × قالوا يا لوط انا رسل ربك لن يصلوا اليك فاسر باهلك بقطع من الليل و لايلتفت منكم احد الا امراتك انه مصيبها ما اصابهم ان موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب × فلما جاء امرنا جعلنا عليها سافلها و امطرنا عليها حجارة من سجيل منضود × مسومة عند ربك و ما هي من الظالمين ببعيد (سوره هود، آيه 77 و 83)

5 - كذبت قوم لوط بالنذر × انا ارسلنا عليهم حاصبا الا ءال لوط نجينا هم بسحر (سوره قمر، آيه 33 و 34)

6 - و لوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من العلمين × انكم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون × و ما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قريبتكم انهم اناس يتطهرون × فانجيناه و اهله الا امراته كانت من الغابرين - و امطرنا عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين (سوره اعراف، آيه 80 و 84)

ترجمه

1 - اما پس از آنان، فرزندان ناشايسته اي روي كار آمدند كه نماز را تباه كردند و از شهوات پيروي نمودند و به زودي (مجازات) گمراهي خود را خواهندديد!

مگر آنان كه توبه كنند و ايمان بياورند و كار شايسته انجام دهند؛ چنين كساني داخل بهشت مي شوند و كمترين ستمي به آنان نخواهد شد.

2 - خدا مي خواهد شما را ببخشد (و از آلودگي پاك نمايد) ، اما آنها كه پيرو شهواتند، مي خواهند شما به كلي منحرف شويد.

3 - و لوط را فرستاديم، هنگامي كه به قوم خود گفت : «شما عمل بسيار زشتي انجام مي دهيد كه هيچ يك از مردم جهان پيش از شما آن را انجام نداده است.

آيا شما به سراغ مردان ميرويد و راه (تداوم نسل انسان) را قطع مي كنيد و در مجلسات اعمال ناپسند انجام مي دهيد؟!» اما پاسخ قومش جز اين نبود كه گفتند : اگر راست مي گويي، عذاب الهي را براي ما بياور!

4 - و هنگامي كه رسولان ما (فرشتگان عذاب) به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد و قلبش پريشان گشت و گفت : «امروز روز سختي است!» (زيرا آنها را نشناخت و ترسيد، قوم تبهكار مزاحم آنها شوند).

قوم او (به قصد مزاحمت ميهمانان) به سرعت سراغ او آمدند - و قبلا كارهاي بد انجام مي دادند - گفت : «اي قوم من! اين ها دختران منند، براي شما پاكيزه ترند (با آنها ازدواج كنيد و از زشتكاري چشم بپوشيد!) ، از خدا بترسيد و مرا در مورد ميهمانانم رسوا نسازيد. آيا در ميان شما يك مرد فهميده و آگاه وجود ندارد؟!»

گفتند : «تو مي داني ما تمايلي به دختران تو نداريم و خوب مي داني ما چه مي خواهيم!»

گفت : « (افسوس!) اي كاش در برابر شما قدرتي داشتم، يا تكيه گاه و پشتيبان محكمي در اختيار من بود! (آن گاه مي دانستم با شما زشت سירתان ددمنش چه كنم!) »

(فرشتگان عذاب) گفتند : «اي لوط! ما فرستادگان پروردگار توييم ؛ آنها هرگز دسترسي به تو پيدا نخواهند كرد! در دل شب، خانواده ات را (از اين شهر) حركت ده! و هيچ يك از شما پشت سرش را نگاه نكند، مگر همسرت كه او هم به همان بلايي كه آنها گرفتار مي شوند، گرفتار خواهد شد! موعده آنها صبح است، آيا صبح نزديك نيست؟!

و هنگامي كه فرمان ما فرا رسيد، آن (شهر و ديار) را زير و رو كرديم و باراني از سنگ (گلهاي متحجر) متراكم بر روي

هم، بر آنها نازل نمودیم.

(سنگ هایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از (سایر) ستمگران دور نیست!

5 - قوم لوط اندازها (و هشدارهای پی در پی پیامبرشان) را تکذیب کردند. ما بر آنها تند بادی که ریگ ها را به

حرکت در می آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم) ، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم!

6 - (و به خاطر آورد) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت : «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچ

یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟!

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید»

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند : «این ها را از شهرتان بیرون کنید که این ها مردمی هستند که

پاکدامنی را می طلبند (و با ما هم صدا نیستند!)

(چون کار به این جا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم، جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود.

و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت). پس بنگر که سرانجام

کار مجرمان چه شد!

تفسیر و جمع بندی

بلای شهوت پرستی در طول تاریخ

در نخستین آیه، بعد از ذکر نام گروهی از پیامبران الهی و صفات برجسته و والای آن بزرگواران، می فرماید : «ولی

بعد از آنها، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی

(مجازات) گمراهی خود را خواهند دید؛ فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون

غیا» (1)

و بلافاصله بعد از آن - به عنوان یک استثناء - می فرماید : «مگر آنها که توبه کردند و ایمان آوردند و عمل صالح

انجام دادند، چنین کسانی داخل بهشت می شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد؛ الا من تاب و آمن و عمل

صالحا فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون شیئا» (2)

شایان توجه این که بعد از مساله ضایع کردن نماز، سخن از پیروی «شهوات» و به دنبال آن، گمراهی به میان

آمده است. این تعبیر حساب شده از یک سو اشاره به آن است که نماز، عامل مهمی برای شکستن «شهوات» و

خود کامگی ها و هواپرستی هاست ؛ همان طور که در آیه 45 سوره عنکبوت آمده : «...ان الصلوة تنهی عن

الفحشاء و المنکر» و از سوی دیگر نشان می دهد که سرانجام «شهوت پرستی» ، گمراهی و ضلالت است، همان

گونه که در آیه 10 سوره روم آمده است : «ثم کان عاقبة الذین اساءوا السوء ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها

یستهزئون؛ سپس سرانجام کار کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به این جا رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و

آن را به مسخره گرفتند!»

آری! آنها گمراه می شوند و به کیفر گمراهی خود ؛ یعنی، آتش قهر و غضب الهی گرفتار خواهند شد.

روشن است که «شهوات» در این جا مفهوم وسیعی دارد و منحصر به «شهوت جنسی» نیست، بلکه هر گونه

تمایل افراطی نفسانی و هواپرستی را شامل می شود. البته کسانی که توبه کنند و ایمان خود را که به خاطر گناه

ضربه دیده است تجدید نموده و به سراغ اعمال صالح بروند، اهل بهشت خواهند بود و آثار تضییع نماز و پیروی

شهوات از وجودشان برچیده خواهد شد.

در دومین آیه، ضمن بیان مقابله آشکار میان «بازگشت به سوی خدا» و «پیروی از شهوات»، و اشاره به این که این دو موضوع در دو جهت مخالف، حرکت می کنند، می فرماید: «خدا می خواهد توبه شما را بپذیرد و شما را ببخشد و از آلودگی پاک سازد؛ اما آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما به کلی (از راه حق) منحرف شود؛ و الله بیری ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما» (3)

آری! آنها که غرق گناه و شهوتند، می خواهند دیگران را نیز هم رنگ خود سازند و از سر تا پا آلوده گناه کنند؛ در حالی که خداوند می خواهد مردم با ترک شهوات به سوی او بازگردند و غرق معرفت و نور و صفای تقوا و قرین سعادت و خوشبختی شوند.

به گفته مفسران بزرگ، منظور از «میل عظیم»، هتک حدود الهی و آلوده شدن به انواع گناهان است. بعضی نیز آن را به معنی ازدواج با محارم و مانند آن - که در آیات قبل، از آن نهی شده است - تفسیر کرده اند که در واقع یکی از مصادیق مفهوم بالاست.

لازم به یادآوری است که پیروی از شهوات در این آیه، ممکن است دارای همان مفهوم عام باشد و نیز ممکن است اشاره به «شهوت جنسی» باشد؛ زیرا این آیه بعد از آیاتی قرار گرفته که حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و کنیزان (آلوده به اعمال منافی عفت) را بیان کرده است. به هر حال این آیه، گواه روشنی است به این که راه «شهوت پرستی» از راه «خداپرستی» جدا بوده و این دو در مقابل هم قرار دارند. آیات سوم، چهارم، پنجم و ششم، از آیات مورد بحث، ناظر به داستان قوم لوط و «شهوت پرستی» آنهاست؛ شهوتی آمیخته با انحرافات جنسی که در تمام تاریخ آمده است. هر بخش از این آیات، نکته خاصی را تعقیب می کند که ما به طور اجمال به آنها اشاره می کنیم:

سومین آیه، گفتار حضرت لوط (ع) را بیان می کند که قوم خود را مورد سرزنش شدید قرار داد: «لوط را فرستادیم، در آن هنگام که به قوم خود گفت: شما کار بسیار شنیعی انجام می دهید که هیچ کس از جهانیان، قبل از شما آن را انجام نداده است؛ و لوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین» (4)

«فاحشه» واژه ایست که به هر کار بسیار زشت اطلاق می شود، هر چند در تعبیرات متعارف بیشتر به «فحشاء جنسی» اطلاق می گردد. تعبیر آیه فوق، نشان می دهد که در جامعه بشری «هم جنس گرایی» از قوم لوط (ع) شروع شد و تا آن زمان سابقه نداشت.

در ادامه آمده است: «آیا شما به سراغ مردان می روید و راه تداوم نسل انسان را قطع می کنید و در مجلس خود، اعمال زشت (دیگر نیز) انجام می دهید؟!؛ ائنکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر...» (5)

در این تعبیر یکی از علت های مهم تحریم «هم جنس گرایی» را قطع نسل بشر می داند؛ زیرا هنگامی که این عمل زشت اخلاقی به شکل فراگیر درآید، خطر انقطاع نسل بشر، جامعه بشری را تهدید می کند. بعضی از مفسران، جمله «و تقطعون السبیل» آیه فوق را، اشاره به راهزنی و دزدی قوم لوط دانسته اند و بعضی اشاره به مزاحمت های جنسی می دانند که به عمد برای راهگزاران به وجود می آوردند!

«نادی» از ماده «ندا» به معنی مجلس عمومی یا مجلس تفریح است؛ زیرا در آن جا افراد یکدیگر را «ندا» می کنند.

گرچه قرآن کریم، در این جا شرح نداده که آنها در جلسات تفریحی خود، چه منکرات دیگری را انجام می دادند،

ولي پيدااست که اعمالی متناسب با همان عمل شنيعشان بوده است. در روايات آمده است، آنها در حضور جمع بدن هاي خود را برهنه مي کردند، فحش هاي رکیک مي دادند و کلمات زشت و بسیار زننده رد و بدل مي نمودند و حرکات ناشايست دیگری داشتند که قلم از ذکر آنها شرم دارد.

آنها چنان، غرق در شهوت بودند که خدا و همه ارزش هاي اخلاقي و انساني را به باد مسخره مي گرفتند ؛ به همین دلیل، هنگامی که پیامبرشان حضرت لوط (ع) از روی تعجب و انکار سؤالي از عمل شنيعشان نمود، «پاسخ قومش جز این نبود که گفتند : اگر راست مي گویی، عذاب الهي را براي ما بیاور! ؛ ...فما كان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان كنت من الصادقين. (6)

و به این ترتیب عذاب الهي را نیز به سخریه گرفتند.

در چهارمین بخش از این آیات به گوشه دیگری از داستان قوم لوط اشاره مي کند : «وآن زمانی است که فرشتگان الهي (که مامور عذاب قوم لوط بودند در چهره جوانان زیبایی) به سراغ حضرت لوط علیه السلام آمدند و او (که آنها را نمی شناخت) از مشاهده آنان سخت ناراحت شد و قلبش پریشان گشت و (پیش خود گفت :) امروز روز سختی است، زیرا ممکن است، این قوم زشت سیرت، حرمت میهمان هاي مرا نشناسند و قصد تجاوز به آنان را داشته باشند!، و لمآجاءت رسلنا لوطا سيء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا يوم عصيب» (7)

(و در این هنگام، اشرار قوم با خبر شدند«و به سرعت به سراغ او آمدند (و قصد سویی نسبت به میهمان او داشتند) و پیش از آن نیز اعمال بدی انجام مي دادند (و این کار، یعنی، تجاوز به میهمانان از آنها بعید نبود، و جاءه قومه يهرعون اليه و من قبل كانوا يعملون السيئات...» (8)

«حضرت لوط علیه السلام (بسیار ناراحت شد و با ایثار و فداکاری عجیب و یا به خاطر اتمام حجت) به آنها گفت : این دختران منند که برای شما پاکیزه ترند (بیایید با آنها ازدواج کنید و ازاعمال شنیع خود دست بردارید.از خدا بترسید و مرا در برابر میهمانانم رسوا نسازید، آیا یک انسان رشید (و عاقل و با غیرت) در میان شما نیست؟، قال يا قوم هؤلاء بناتي هن اطهرلکم فاتقوا الله و لا تخزون في ضيفي ا ليس منکم رجل رشید» (9)

ولي آن قوم کثیف و زشت سیرت، نه تنها در برابر این همه بزرگواری حضرت لوط علیه السلام حیاء نکردند، بلکه بي شرمانه پاسخ گفتند : «تو خود مي دانی، ما را به دختران توحقی نیست (و به جنس زن علاقه اي نداریم!) تو به خوبی مي دانی که ما چه چیز مي خواهیم!، قالوا لقد علمت ما لنا في بناتک من حق و انک لتعلم و ما نريد» (10)

هنگامی که قوم لوط، وقاحت را به آخرین درجه رساندند، حضرت لوط علیه السلام فریادزد و گفت : «اي کاش! قوت و قدرتی داشتم (تا شما خیره سران را مجازات مي کردم) و اي کاش! تکیه گاه محکمی از قوم و عشیره و پیروان نیرومندی در اختیار من بود (تا به کمک آنهاشما منحرفان را سخت کیفر مي دادم، قال لو ان لي بکم قوة او ءاوي الي رکن شديد» (11)

همان گونه که در ادامه این آیات آمده است حضرت لوط علیه السلام متوجه شد که آنهافرستادگان پروردگارند، هیچ کس نمی تواند کمترین آسیبی به آنها برساند.فرشتگان به حضرت لوط علیه السلام خبر دادند که فردا صبح عذاب هولناکی به سراغ این قوم مي آید و شهرهای آنها به کلی زیر و رو مي شود و بارانی از سنگ هاي آسمانی بر آنها فرومي ریزد، به حضرت لوط علیه السلام دستور دادند که شبانه به اتفاق خانواده اش - به استثنای همسرش که از تقوا بي بهره بود - آن شهرها را ترک کنند که صبحگاهان عذاب الهي فرامي رسد.

در پنجمین بخش از آیات، ضمن اشاره به مجازات شدید این قوم ننگین زشت سیرت مي فرماید : «قوم لوط،

انذارها و هشدارهای مکرر (پیامبرشان) را تکذیب کردند. ما بر آنها تندبادی که ریگ ها را به حرکت در می آورد، فرستادیم (و همه را زیر آن مدفون ساختیم) ، جزخاندان لوط که آنها را سحرگاهان نجات دادیم، (به استثنای همسرش که مشمول مجازات قوم گنه کار شد) ، کذبت قوم لوط بالندرخانا ارسلنا علیهم حاصبا الا آل لوط نجیناهم بسحر» (12) .

البته این بخشی از مجازات دردناک آنها بود، زیرا در قرآن آمده است که : «نخست زلزله ای - به امر ما - آمد و سرزمین آنها را زیر و رو کرد، آن چنان که قسمت های بالا در پایین و قسمت های پایین در بالا قرار گرفت، فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها. .. (13) »

«و بارانی از سنگ بر آنها فرو فرستادیم، ... و امطرنا عالیها حجارة من سجيل منضود» (14) این باران سنگ، ممکن است بخشی از سنگ های سرگردان آسمانی بوده که به فرمان پروردگار الهی بر فراز آسمان شهر آنها ظاهر گشته و بر ویرانه ها و اجساد بی جان آنان باریده است.

احتمال دیگر این است که «حاصب» به معنای «طوفان شن» باشد. این طوفان گاهی تپه هایی را از یک گوشه بیابان برداشته و به آسمان می برد، سپس در نقطه ای دیگر، مانند بارانی فرو می ریزاند، به طوری که گاهی قافله ها، زیر انبوهی از شن و ماسه مدفون می گشت!

حال این نکته قابل تامل است که هر چند، گاهی طوفان های شن یا باران های سنگ در جهان طبیعت روی می دهد، ولی خداوند متعال فرمان داده بود که این حوادث در آن ساعت مخصوص و معین - که فرشتگان حضرت لوط علیه السلام را خبر داده بودند - واقع گردد.

احتمال دیگری نیز وجود دارد که ممکن است، نخست زلزله ای سهمگین، شهرهای آنها را زیر و رو کرده و سپس بارانی از سنگ های آسمانی بر سرشان فرو ریخته و آنگاه طوفانی از شن، آثار آنها را محو و نابود کرده باشد که این عذاب های سه گانه، بیانگر شدت خشم الهی، نسبت به این قوم رو سیاه است.

در ششمین و آخرین بخش از آیات، ضمن اشاره فشرده و مختصر به تمام ماجرای قوم لوط - از آغاز تا پایان - می فرماید : «به خاطر آورید» لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت : آیا عمل شنیعی انجام می دهید که هیچ کس از جهانیان پیش از شما آن را انجام نداده بود؟! و لوطا اذ قال لقومه ا تاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین» (15)

آری! شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان، شما جمعیت تجاوزکاری هستید، زیرا قوانین و سنت های الهی را رها کرده و راه انحراف را پیش گرفته اید، راهی که سبب نابودی نسل و شیوع انواع بیماری های و مفاسد دیگر اجتماعی می شود.

گر چه بیماری وحشتناک «ایدز» یکی از هولناکترین بیماری های عصر ما شناخته شده، ولی بعید نیست که این بیماری در آن زمان نیز وجود داشته و گروهی از قوم لوط به آن گرفتار شده بودند. به همین علت خداوند حکیم و رحیم، اجساد آنها را زیر خروارها سنگ و شن دفن کرد تا این امر، هم درس عبرتی برای دیگران بوده و هم مایه نعمتی که همان جلوگیری از انتشار و سرایت این بیماری به دیگران بوده است.

به هر حال، آن قوم آلوده، به قدری بی شرم بودند که نه تنها به سخن حضرت لوط علیه السلام گوش ندادند، بلکه خواستار اخراج او و خاندانش - به جرم پاکی از آلودگی های شایع در میانشان - از آبادی ها شدند. قرآن کریم در ادامه این آیات به آن اشاره دارد : وما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انهم اناث یتطهرون» .

خداوند در ادامه این آیات می فرماید :

«ما لوط و خاندانش را - به جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود، نجات بخشیدیم، سپس بارانی (از سنگ) بر آنها فرو فرستادیم (و همه را نابود کردیم و مدفون ساختیم). اکنون بنگر، سرانجام کار مجرمان چگونه بود، فانجیناه و اهله الا امراته کانت من الغابرين - وامطرنا عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين» (17)

آری! آنها چنان آلوده بودند که بی گناهی و پاکدامنی را گناه می دانستند! و پاکان را به جرم پاکي محکوم به تبعید و راندن از خانه و زندگیشان می کردند. هر چند قبل از انجام این کار، به غضب الهی گرفتار و نابود شدند.

بخش مهمی از این آیات، ضمن بیان عواقب هوسبازی و هوا پرستی و شهوترانی - به مفهوم عام و خاصش - ، این عمل ناشایسته و پست اخلاقی را که سرچشمه گناهان و اثرات مخرب اجتماعی بی شماری است، سخت نکوهش می نماید.

شهوت پرستی در روایات اسلامی

این مساله در منابع روایی اسلام، مورد توجه فراوان قرار گرفته است که بیشتر آنها بیانگر هشدار، درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث تکان دهنده، هر خواننده ای را تحت تاثیر عمیق قرار داده و روشن می سازد که آلودگی به «شهوت» - خواه به مفهوم عام و خواه به مفهوم خاص آن - از موانع اصلی سعادت و کمال انسان ها و از اسباب مهم گسترش گناه و جنایت در جامعه بشری است که در ذیل، به بعضی از آن احادیث اشاره می شود :

1 - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : «ما تحت ظل السماء من الهه يعبد من دون الله اعظم عند الله من هوي متبع، در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه خدا، بدتر از هوا و هوس باشد که انسان را به دنبال خود می کشاند.» (18)

به این ترتیب، روشن می شود که «شهوت» و هوای نفس از خطرناکترین عوامل انحراف انسان به سوی زشتی هاست.

2 - امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید : «الشهوات سموم قاتلات، شهوت ها، زهرهای کشنده است» (19) (که شخصیت و ایمان و مروت و اعتبار انسان را نابود می سازد) .

3 - در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار علیه السلام آمده است : «الشهوات مصائد الشيطان، شهوات دام های شیطان است.» (20) (که انسان ها را به وسیله آن در هر سن و سال و در هر زمان و مکان صید می کند).

4 - همان حضرت علیه السلام در جای دیگر می فرماید : «امنع نفسك من الشهوات تسلم من الآفات، اگر می خواهید از آفات در امان باشید، خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوات بازدارید.» (21)

5 - در حدیث دیگری نیز از همان پیشوای پرهیزکاران جهان آمده است : «ترك الشهوات افضل عبادة و اجمل عادة، ترک شهوت ها، برترین عبادت و زیباترین عادت است.» (22)

6 - امام صادق علیه السلام می فرماید : «من ملك نفسه اذا غضب و اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتهي، حرم الله جسده علي النار، کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوت، ملک نفس خویش باشد، خداوند جسد او را بر آتش دوزخ حرام می کند.» (23)

7 - امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید : «ضادوا الشهوة مضادة الضد ضده و حاربوها محاربة العدو العدو، با خواهش های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار

برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن.» (24)

این سخن با صراحت، این حقیقت را بازگو می کند که «شهوة پرستی» درست مقابل «سعادت» و خوشبختی انسان قرار گرفته است.

پیامدهای شهوت پرستی در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام

درباره پیامدهای شهوت پرستی و پیروی از هوای نفس، تعبیرات دقیق، حساب شده و تکان دهنده ای در احادیث اسلامی دیده می شود که در این بحث تنها به کلام پیشوای متقیان حضرت علی علیه السلام اشاره می شود :

- 1 - امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند : «اهجروا الشهوات فانها تقودکم الي رکوب الذنوب و التهجم علي السيئات، از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می کشاند.» (25)
- 2 - این مساله گاهی به قدری شدید می شود که به کلی دین انسان را بر باد می دهد، چنان که در حدیث دیگری می فرمایند : «طاعة الشهوة تفسد الدين، فرمانبرداری از شهوات نفسانی، دین انسان را فاسد می کند.» (26)
- 3 - آن حضرت در تعبیر دیگری می فرمایند : «طاعة الهوى تفسد العقل، هوا پرستی عقل انسان را فاسد می کند.» (27)

4 - در جای دیگر می فرمایند : «الجاهل عبد شهوته، انسان نادان بنده شهوت خویش است» (28) ، یعنی، انسان جاهل مثل برده خوار و ذلیلی است که در برابر شهوت خویش، هیچ اختیاری از خود ندارد.

5 - در تعبیر دیگر می فرمایند : «عبد الشهوة اسير لا ينفك اسره، برده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید.» (29)

6 - آن حضرت علیه السلام در این که سرانجام «شهوت پرستی» ، رسوایی است، می فرمایند : «حلاوة الشهوة ينغصها عار الفضيحة، شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می برد.» (30)

7 - در تعبیر دیگری، شهوت پرستی را کلید انواع شرها می دانند : «سبب الشر غلبة الشهوة (31) سبب شر، غلبه شهوت است.»

با توجه به این که «الشر» با الف و لام جنس و به صورت مطلق ذکر شده است، معنای عموم را می رساند که این امر بیانگر آن است که «شهوت پرستی» ، سرچشمه تمام شرها و بدبختی هاست.

8 - در جای دیگر ضمن اشاره به این نکته که غلبه هوا و هوس، سبب بسته شدن راه های سعادت بشری شده و او را در گمراهی نگاه می دارد، می فرمایند : «كيف يستطيع الهدي من يغلبها الهوى، چگونه می تواند انسان به هدایت برسد، در حالی که هوای نفس براو غالب گردیده است.» (32)

9 - آن حضرت در سخن دیگری، غلبه شهوات را باعث تضعیف شخصیت انسان می دانند : «من زادت شهوته قلت مروته، کسی که شهوات او فزونی یابد، شخصیت انسانی او کم می شود.» (33)

10 - در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می کند که راه بهشت، راه «شهوت پرستان» نیست : «من اشتاق الي الجنة سلا عن الشهوات، کسی که مشتاق بهشت باشد باید شهوت پرستی را فراموش کند» (34)

11 - در جای دیگر این نکته را گوشزد می کند که حکمت و آگاهی با شهوت پرستی سازگار نیست : «لا تسكن الحكمة قلبا مع شهوة، حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است، ساکن نمی شود.» (35)

از بحث های قبل روشن شد که «شهوت» دارای مفهوم عام و وسیعی بوده و شامل هر گونه دوست داشتن، تمایل و رغبت به درک لذت و خواهش نفس می شود. بدون این که اختصاص به شهوت جنسی داشته باشد، گرچه گاهی در خصوص شهوت جنسی نیز به کار رفته است.

در قرآن مجید نیز این مفهوم در یازده مورد به صورت عام استفاده شده است و تنهادر دو مورد در معنی خاص آن به کار رفته است. در روایات اسلامی و کلمات علمای اخلاق نیز اغلب در مفهوم عام به کار رفته که در مقابل آن واژه «عفت» به معنی خویشتن داری و چشم پوشی از لذایذ گناه آلوده مادی به کار می رود.

این مفهوم بیشتر در موارد منفی به کار می رود، اما گاهی در موارد مثبت نیز به کار رفته است، مانند، آن جایی که خداوند خطاب به بهشتیان می فرماید: «... و لکم فیها ماتشتہی انفسکم ...»، هر چه را دوست بدارید و به آن تمایل داشته باشید، در بهشت برای شما فراهم است» (36) یا آن جایی که می فرمایند: «... فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین ...، در بهشت آنچه دل ها می خواهد و چشم از آن لذت می برد، موجود است.» (37) به هر حال این واژه، بیشتر دارای بار منفی بوده و در مواردی که هوا و هوس افراطی بر انسان چیره گشته و تمایلات ویرانگر و گناه آلود بر تمام وجودش مستولی گردد به کار می رود.

این واژه و مشتقات آن، در قرآن مجید، سیزده مورد به کار رفته که شش مورد آن دارای مفهوم مثبت و هفت مورد آن دارای مفهوم منفی است.

به هر حال «شهوت» به هر معنی که باشد، هرگاه مفهوم خاص آن که همان خواست های افراطی و شهوانی است مورد نظر باشد، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت که به وضوح قابل مشاهده است که ضمن توجه به روایاتی که در فصل قبل آوردیم، باید اذعان داشت که سر تا سر تاریخ نیز مملو از پیامدهای نامطلوب شهوت پرستی هاست که به طور خلاصه می توان به عناوین زیر، اشاره کرد:

1 - آلودگی به گناه شهوت پرستی انسان را به سویی انواع گناهان می کشاند و در واقع یکی از سرچشمه های اصلی گناه و معصیت و نافرمانی خدا محسوب می گردد، زیرا چشم و گوش انسان را بسته و به مصداق حدیث نبوی «حبک للشیء یعمی و یصم» (38) آدمی را کور و کر کرده و قدرت درک واقعیت ها را از او می گیرد و در چنین حال، زشتی ها در نظر او زیبا و زیبایی ها در نظر او زشت و بی رنگ می شود. به همین دلیل، در روایات سابق (روایت هشتم) خواندیم که امیر مؤمنان علیه السلام درباره پیروی از شهوات هشدار داده و می فرماید: «از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان می کشاند.» در حدیث دهم، از همان حضرت نیز به این نکته اشاره شد که: «هواپرستی عقل انسان را فاسد می کند» و در حدیث نهم نیز فرمودند (اگر شهوت پرستی تشدید شود): «دین انسان را بر باد می دهد و حتی انسان را به بت پرستی می کشاند.» در این رابطه مفسران و ارباب حدیث، در ذیل آیات 16 و 17 سوره حشر، داستانی درباره عابدی از قوم بنی اسرائیل به نام «برصیصا» آورده اند که شاهد زنده ای برای این مدعاست، داستان گر چه معروف است، اما تکرارش خالی از صواب نیست:

...مرد عابد بنی اسرائیلی به خاطر سال ها عبادتش، به آن حد از مقام قرب الهی رسیده بود که بیماران با دعای او لامت خود را باز می یافتند و به اصطلاح مستجاب الدعوة شده بود.

روزی، زن جوان زیبایی را که بیمار بود، نزد او آوردند و به امید شفاء در عبادتگاه او گذاردند و رفتند.

شیطان به وسوسه آن عابد مشغول شد و آن قدر صحنه گناه را در نظرش زینت داد که عنان اختیار را از کف او ربود، آن چنان که گویا عابد کر و کور گشته و همه چیز را به دست فراموشی سپرده است. دیری نپایید که آن عابد دامان «عفت» خویش را به گناه بیالود. پس ارتکاب گناه به خاطر این که احتمال داشت آن زن باردار شود و موجب رسوایی او گردد، باز شیطان و هوای نفس به او پیشنهاد کرد که زن را به قتل رسانده و درگوشه ای از آن بیابان وسیع دفن کند.

هنگامی که برادران دختر، به سراغ خواهر بیمار خویش آمدند و عابد اظهار بی اطلاعی کرد، آنان نسبت به عابد مشکوک گشته و به جستجو برخاستند و پس از مدتی، سرانجام جسد خونین خواهر خویش را در گوشه بیابان از زیر خاک بیرون کشیدند.

این خبر در شهر پیچید و به گوش امیر رسید. او با گروه زیادی از مردم به سوی عبادتگاه آن عابد حرکت کرد تا علت این قتل را بیابد. هنگامی که جنایات آن عابدروشن شد، او را از عبادتگاهش فرو کشیدند تا بر دار بیاویزند. در ادامه این حکایت آمده است : هنگامی که عابد در کنار چوبه دار قرار گرفت، شیطان در نظرش مجسم شد و گفت : من بودم که با وسوسه های خویش تو را به این روزنذاختم، حال اگر آنچه را که من می گویم، اطاعت کنی، تو را نجات خواهم داد.

عابد گفت : چه کنم؟

شیطان گفت : تنها یک سجده برای من کافی است.

عابد گفت : می بینی که طناب دار را بر گردن من افکنده اند و من در این حال توانایی سجده بر تو را ندارم.

شیطان گفت : اشاره ای هم کفایت می کند.

عابد بیچاره نادان، پس از این که با اشاره، سجده ای بر شیطان کرد، طناب دار گلویش را فشرد و او در دم جان سپرد.

آری! شهوت پرستی باعث شد تا آن عابد، ابتدا به زنا آلوده شود و سپس قتل نفس انجام دهد و بعد دروغ بگوید و سرانجام مشرک گردد و بدین ترتیب محصول سال هاعبادت او بر باد رفته و نزد خاص و عام رسوا شود. همه رنج جهان از شهوت آید که آدم زان برون از جنت آید (39)

2 - فساد عقل شهوت پرستی، پرده های ضخیمی بر عقل و فکر انسان می اندازد، حق را در نظر اوباطل و باطل را در نظر او، حق جلوه می دهد. در روایات گذشته نیز بیان داشتیم که :

«طاعة الهوي تفسد العقل، هوا پرستی عقل را فاسد می کند.» (40) به همین دلیل بسیاری از شهوت پرستان به هنگام غلبه شهوت، کارهایی انجام می دهند که بعد از فرو نشستن آتش شهوت، از آن عمل خویش سخت پشیمان شده و گاه تعجب می کنند که چگونه دست به انجام آن کار احمقانه و غلط زده اند.

در حدیث دیگری امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید : «إذا ابصرت العين الشهوة عمي القلب عن العاقبة، هنگامی که چشم، مظاهر شهوت را ببیند، عقل از مشاهده عاقبت کار باز می ماند» (41)

3 - تضعیف شخصیت اجتماعی انسان شهوت پرستی، شخصیت و احترام اجتماعی انسان را در هم می شکند و او را به ذلت می کشاند، زیرا برای کامیابی های شهوانی باید تمام قید و بندهای اجتماعی را شکست وتن به هر پستی داد. بدیهی است که انسان با شخصیت، در کشاکش شهوات، بر سردو راهی قرار می گیرد که یا باید به

خواست هاي شهواني دل خویش برسد، يا شخصيت واحترام اجتماعي خود را حفظ نمايد که اغلب جمع میان این دو غیر ممکن است!

در حدیثي از امير مؤمنان علي عليه السلام آمده است : «زيادة الشهوة تزي بالمرؤة، افزون شدن شهوت، شخصيت انسان را لکه دار مي کند.» (42)

4 - اسارت نفس اسارت و بندگي در برابر خواست هاي نفساني، يکي ديگر از پیامدهاي شهوت پرستي است، زیرا انسان شهوت پرست چنان اسير شهوات خود مي شود که بازگشت و دوري جستن از آنها، براي مشکل و گاهي نیز غیر ممکن مي گردد.

نمونه بارز آن، زندگي خفت بار معتادان به مواد مخدر است که در ظاهر آزادند، ولي از هر اسيري، اسيرترند. زنجير اعتياد ناشي از شهوت پرستي نیز آن چنان دست و پاي انسان را مي بندد که گویا هر گونه حرکت و تلاش براي دوري جستن از خواست هاي رذيله، بسيار مشکل مي گردد، مخصوصا اگر هوا پرستي، به سر حد عشق هاي جنون آمیز جنسي برسد که در این حال اسارت انسان به اوج خود مي رسد.

حضرت امير مؤمنان علي عليه السلام در این رابطه مي فرمايند : «عبد الشهوة اسير لا ينفك اسره، بنده شهوت چنان اسير است که هرگز روي آزادي را نخواهد دید.» (43)

آن حضرت در تعبير ديگري نیز مي فرمايند : «و کم من عقل اسير تحت هوي امير، چه بسيار عقلها و خردها که شهوات بر آن حکومت مي کند.» (44)

باز در حدیث ديگري مي فرمايند : «الشهوات تسترق الجهول، شهوت ها، افراد نادان را برده خود مي سازند.» (45)

5 - رسوايي و بي آبرويي رسوايي، يکي ديگر از پیامدهاي شهوت پرستي است. تاريخ بشر مملو از شرح زندگي کساني است که در جامعه داراي مقام و موقعيت ممتاز بودند، ولي هنگامي که اسير «شهوت» و هواي نفس شدند، کارشان به رسوايي کشيد.

در اشعار شعرا نیز رابطه «عشق» و «رسوايي» یک رابطه معروف و مشهور است. (46)
(رسواي عالمي شدم از فرط عاشقي)

در داستان يوسف و همسر عزيز مصر نشان مي دهد که چگونه همسر عزيز مصر با وجود احترام فراوان - به علت هواپرستي - رسواي خاص و عام شد يوسف به صبر خویش پيما شد رسوا شتاب کرد زليخا را (47)
و به گفته شاعر عرب :

ان الهواي هو الهوان قلب اسمه فاذا هويت فقد لقيت هوانا (48)

هوا پرستي همان پستي است که نام آن تغيير يافته، به همین دليل هر هوا پرستي پست مي شود.

عوامل و اسباب شهوت پرستي

بارها در مباحث مشابه گفته ايم که براي درمان مفاسد اخلاقي، بايد نخست علل وریشه ها و اسباب آن را بيابيم. بزرگان علم اخلاق نیز، در مباحث این علم، به بحث ازانگيزه ها، اهميت فوق العاده اي داده اند، به همین دليل لازم است بحث دقيقي در مورد عوامل شهوت پرستي داشته باشيم.
اميال و خواسته هاي دروني که از آن به شهوات تعبير مي شود، - مخصوصا شهوت جنسي - یک امر طبيعي و

خدادادي بوده و از عوامل حرکت انسان، براي پيشرفت زندگي بشمار مي آيد. به همين دليل، گر چه نمي توان آنها را از ميان برد، اما هرگز نبايد براي سرکوبي آنها نيز تلاش کرد، زيرا اگر اين شهوات در حد اعتدال باشند، نه تنها مشکلي ايجاد نمي کنند، بلکه يکي از اسرار تکامل و تقدم انسان نيز محسوب مي گردند. آنچه که به صورت مفسده اخلاقي ظاهر مي شود، همان طغيان شهوات و خارج شدن آنها از کنترل نيروي عقل و خرد است.

حال بايد ملاحظه کرد که چه عوامل سبب خارج شدن اميال و خواست هاي دروني از تحت کنترل عقل گشته و به صورت نيرويي ويرانگر در مي آيد. به يقين، امور زير تاثيرزايدي در اين مساله دارد :

1 - ضعف ايمان ضعف ايمان، علت اصلي نادیده گرفتن فرمان هاي الهي است. اگر انسان، خدا را حاضر و ناظر بداند و دادگاه بزرگ الهي را در قيامت با چشمان قلب خویش مجسم نمايد، هرگز حدود الهي را نمي شکند و از مرزها تجاوز نکرده و آلوده شهوات و مفاصداخلاقي نمي گردد. اين همان برهان الهي است که در بدترين شرايط زندگي حضرت يوسف عليه السلام به سراغش آمد و او را از آلودگي به فحشاء - که تمام زمينه هاي ارتکاب، موجود و موانعش مفقود بود - حفظ کرد. اگر ايمان ضعيف گشته و توجه به مبدا و معاد کم گردد، زمينه طغيان شهوات کاملاً فراهم مي شود که انسان در چنين شرايطي مثل حيوان درنده اي که از قفس خارج شده باشد و هيچ گونه مانعي در برابر خود نبيند، به همه جا حمله مي کند و اگر کسي در برابرش ظاهر شود، مي درد. در اين رابطه در حديث علوي آمده است : «من اشتاق الي الجنة سلا عن الشهوات، کسي که مشتاق به بهشت (و معتقد به آن) باشد، شهوات سرکش را به فراموشي مي سپارد.» (49)

گاهي نيز انسان براي بهره گيري از شهوات بدون قيد و شرط، سد ايمان را در هم مي شکند تا در شهوت پرستي آزاد باشد، قرآن مجيد مي فرمايد : « بل يريد الانسان ليفجر امامه - يسلل ايان يوم القيامة (50) ، ... بلکه انسان مي خواهد (آزاد باشد و بدون ترس ازدادگاه قيامت) در تمام عمر، گناه کند، (از اين رو) مي پرسد : قيامت کي خواهد بود؟ (سؤالي که نشانه انکار يا ترديد است). »

2 - بي اعتنايي به حيثيت اجتماعي و شخصيت انساني بي اعتنايي به آبرو و حيثيت اجتماعي و ضعف شخصيت انساني، اغلب سبب آلودگي به انواع شهوات مي شود، در حالي که آبرو و شخصيت انساني و توجه به حيثيت اجتماعي، انسان را - هر چند که ايمان به خدا نيز نداشته باشد - در برابر طغيان شهوات، کنترل مي کند. به همين دليل، در جوامع غير ديني، افراد آبرومند و با شخصيت، کمتر تسليم طغيان شهوات گشته و به «شکم پرستي» و شهوات بي قيد و شرط جنسي روي مي آورند، زيرا آبرو و حيثيت اجتماعي و شخصيت انساني آنها، سدي است در برابر طغيان شهوات. بنابراين هميشه تنها افراد رذل و بي شخصيت، در چنگال اين امور گرفتار مي گردند.

3 - غفلت و بي خبري غفلت و بي خبري از پيامدهاي شهوت پرستي، عامل ديگر آلودگي به اين رذيله اخلاقي است، زيرا بيشتر رذائل اخلاقي، آثار سوء جسماني و بهداشتي دارد، مثلاً، شکم پرستي، انسان را به انواع بيماري ها مبتلا مي سازد و يا افراط در شهوت جنسي، نيرو و توان انسان را کاهش داده، اعصاب را در هم مي کوبد و عمر

را کوتاه نموده و در نهایت سلامت جسمی و روحی انسان را مختل می‌سازد.

به همین دلیل، در جوامع غیر مذهبی، افراد زیادی مقید به رعایت اعتدال در خوردن و مسایل جنسی هستند، زیرا توصیه پزشکان را در این زمینه پذیرفته و نتایج آن را درک کرده‌اند.

مشکلات اجتماعی ناشی از شهوت پرستی نیز قابل انکار نیست. به یقین «شکم پرستی» گروهی از مردم سبب گرسنگی گروه‌های دیگری خواهد شد.

بی‌بند و باری در مسائل جنسی نیز سبب ناامنی زن و فرزند این افراد می‌شود و چه بسا که آلودگی به عمق خانه آنها نیز نفوذ کند.

بنابراین هر کس که به این امور توجه کند، به یقین در کنترل شهوات خویش می‌کوشد.

4 - معاشرت‌های نامناسب و محیط‌های آلوده معاشرت‌های نامناسب، دوستان ناباب، محیط‌های آلوده و فساد وسائل ارتباط جمعی یکی از عوامل دیگر آلودگی به شهوت پرستی است. اغلب انسان‌های ناباب، دوستان خود را به گناه سوق داده و آنها را غرق گناه می‌سازند و راه‌های مختلف ارتکاب گناه را به آنها می‌آموزند، به گونه‌ای که می‌توان گفت: رایج‌ترین اسباب آلودگی به شهوت پرستی، معاشرت با انسان‌های گناهکار و آلوده است. بدآموزی ناشی از وسائل ارتباط جمعی و محیط‌های آلوده نیز از عوامل مهم این آلودگی است. در این زمینه در بحث‌های مربوط به امور «زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی» درجلد اول به قدر کافی صحبت کردیم و به طور مشروح بیان داشتیم که معاشرت‌های آلوده، نه تنها انسان را آلوده گناه و مفاسد اخلاقی می‌کند، بلکه تا سر حد کفر نیز پیش می‌برد.

قرآن مجید نیز درباره بعضی از دوزخیان می‌گوید: «و یوم یعض الظالم علی یدیہ یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا - یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا - لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جائنی و کان الشیطان للانسان خذولا (51)»، و به خاطر بی‌اوری روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش! با رسول خدا صلی الله علیه و آله راهی برگزیده بودم. ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از ذکر خدا گمراه ساخت، بعد از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوارکننده انسان است. (او را گمراه می‌سازد، سپس در بیراهه ره‌ایش می‌کند.)

محیط‌های آلوده، پدران و مادران فاسد و منحرف، از دیگر عوامل مؤثر آلودگی به شهوت پرستی است که تأثیر مخرب آنها قابل انکار نیست. به همین دلیل، هنگامی که بیشتر افراد پاک وارد چنین محیط‌هایی شوند، دل و ایمان خود را از دست داده و آلوده شهوات و مفاسد اخلاقی می‌شوند.

چون در جلد اول، در بحث «کلیات مسایل اخلاقی» این امور را به عنوان زمینه‌سازهای اخلاقی، به طور مشروح مورد بحث قرار داده‌ایم، در این جا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

راه‌های درمان شهوت پرستی

راه‌های درمان مفاسد اخلاقی به صورت اصولی تقریباً همه جا یکی است که به طور کلی در دو راه علمی و عملی خلاصه می‌شود.

الف - راه علمی منظور از راه علمی، این است که انسان در آثار و پیامدهای شهوت پرستی بیندیشد و ببیند که

چگونه تسلیم شدن در برابر شهوات، انسان را به ذلت، بدبختی، اسارت، تضعیف شخصیت اجتماعی و دوری از خدا می کشاند که زندگی خفت بار افرادی که آلوده شهوت شده اند، بیانگر این واقعیت است. بنابراین تامل در امور مذکور و اندیشه پیرامون شرح حال «اولیاء الله» و پیروان راستین آنها که بر اثر مبارزه با شهوات به مقامات بالا در دنیا و نزد خدا رسیده اند، انسان را از شهوت پرستی باز خواهد داشت. علاوه بر این که تحکیم پایه های عقل و ایمان، انسان را قادر به کنترل شهوات می کند، در این رابطه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «من کمل عقله استهان بالشهوات، کسی که عقلش کامل شود، شهوت ها را کوچک و بی ارزش می شمرد.» (52) در جای دیگر نیز می فرماید: «من غلب شهوته ظهر عقله، کسی که بر شهوات خود غالب شود، عقل و خرد او ظاهر می گردد.» (53)

همچنین فرموده اند: «کلمة قویت الحکمة ضعف الشهوة، هر قدر حکمت و دانش انسان تقویت شود، شهوات و تمایلات سرکش او ضعیف می گردد.» (54) آن حضرت در پیام پر معنای دیگری نیز می فرماید: «اذکر مع کل لذة زوالها و مع کل نعمة انتقالها و مع کل بلیة کشفها، فان ذلک ابقی للنعمة، و انفی للشهوة، و اذهب للبطر، و اقرب الی الفرج و اجدر بکشف الغمة و درک المامول، هرگاه در لذت (حرامی)

باشی، به یاد بیاور که روزی زایل می شود، و اگر در هر نعمتی هستی، به خاطر داشته باش که روزی سلب خواهد شد. در بلاها نیز انتظار بر طرف شدن آن را داشته باش، زیرا این یادآوریها، نعمت را پایدارتر می کند و شهوات را دور می سازد و مستی و غرور نعمت را زایل می کند و به فرج و گشایش امور نزدیکتر و در از میان رفتن اندوه و رسیدن به مقصود، نزدیکتر و شایسته است.» (55)

به این ترتیب اندیشه در پیامدها، اثر عمیقی در بازدارندگی از آلودگی به شهوت ها دارد، تمام تلاش رهبران الهی نیز این بوده است تا عواقب شوم گرفتاری در چنگال شهوات را به انسان ها گوشزد نموده و آنها را از کام شهوات نجات دهند.

این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بیانگر این معنی است: «خمس ان ادركتموهن فتعذوا بالله منهن : لم تظهر الفاحشة في قوم قط حتي يعلنوها، الا ظهر فيهم الطاعون و الوجل التي لم تكن في اسلافهم الذين مضوا و لم ينقصوا المكيال و الميزان الا اخذوا بالسنين و شدة المؤنة و جور السلطان، و لم يمنعوا الزكاة الا منعوا المطر من السماء، و لو لالالبهائم لم يمطروا و لم ينقصوا عهد الله و عهد رسوله الا سلط الله عليهم عدوهم و اخذوا بعض ما في ايديهم، و لم يحكموا بغير ما انزل الله الا جعل الله عز و جل باسهم بينهم، پنج چیز است که اگر با آنها روبرو شدید، از آنها به خدا پناه ببرید، اعمال زشت و آشکاره هیچ قومی ظاهر نمی شود، مگر این که گرفتار طاعون و بیماری هایی می شوند که در میان پیشینیان آنها نبوده است و هیچ قومی کم فروشی نمی کنند مگر این که گرفتار قحطی و سختی زندگی و ظلم حاکمان می شوند و هیچ قومی منع زکات نکردند مگر این که، از باران رحمت الهی محروم شدند و اگر به خاطر حیوانات نبود، بارانی به آنها نازل نمی شد و هیچ جمعیتی، پیمان خدا و رسولش را نمی شکستند، مگر این که خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط کرد و قسمتی از آنچه را که آنها داشتند، از آنان گرفتند و هیچ گروهی به غیر احکام الهی حکم نکردند، مگر این که خداوند اختلاف در میان آنها افکند و با هم درگیر شدند.» (56)

بی شک، تامل و تدبیر در این پیامدها، تاثیر مستمر و یا موقت در بازداشتن اعمال غیراخلاقی دارد.

ب - راه عملی از نظر عملی راه های مختلفی برای درمان «شهوت پرستی» وجود دارد از جمله :

1 - یکی از بهترین راه های عملی برای نجات از گرداب شهوت، اشباع صحیح امیال و خواست های جنسی است، زیرا اگر خواست ها و امیالی که در درون انسان وجود دارند از راه های صحیح، اشباع گردند، دیگر زیانبار و مخرب نخواهند بود، به تعبیر دیگر، این خواست ها را نمی توان و نباید سرکوب کرد، بلکه باید از آنها در کانال های صحیح و سازنده استفاده کرد، در غیر این صورت ممکن است تبدیل به سیلاب ویرانگری شود که حرث و نسل انسان را با خود خواهد برد.

به همین دلیل، اسلام نه تنها تفریحات سالم و بهره گیری معتدل از خواست های درونی را مجاز شمرده، بلکه نسبت به آن تشویق نیز نموده است. خطبه معروفی که از امام جواد علیه السلام در مورد عقد همسرش نقل شده است، شاهد گویای این مدعاست. آن حضرت در این خطبه می فرماید : «اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام، یکی از نعمت های الهی بر بندگان این است که آنها را به وسیله حلال از حرام بی نیاز ساخته است.» (57)

این حدیث معروف نیز بر همین نکته اشاره دارد : «للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة یناجي فیها ربه، و ساعة یرم معاشه، و ساعة یخلي بین نفسه و بین لذتها فیما یحل ویجمل، انسان با ایمان ساعات زندگی را به سه بخش تقسیم می کند، قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می کند و قسمت دیگر را در راه اصلاح معاش و بندگی به کار می گیرد و قسمت سوم را به بهره گیری از لذت های حلال و دلپسند اختصاص می دهد.» (58)

2 - یکی دیگر از راه های نجات از شهوت پرستی، برنامه ریزی دقیق برای برنامه های زندگی است، زیرا، هرگاه انسان، برای تمام اوقات خود برنامه داشته باشد (هر چند برنامه او در پاره ای از موارد جنبه تفریحی و ورزشی داشته باشد)، دیگر مجالی برای کشیده شدن به آلودگی های شهوانی باقی نمی ماند.

3 - برچیدن عوامل آلودگی نیز یکی از راه های درمان و یا پیشگیری است، زیرا امکان آلودگی به شهوات در محیط های آلوده فراوان است، یعنی، اگر محیط، آلوده شهوت شود و اسباب آن در دسترس همه قرار گیرد و آزادی نسبی نیز وجود داشته باشد، نجات از آلودگی، مخصوصا برای قشر جوان یا کسانی که در سطح پایینی از «معرفت» دینی قرار دارند، بسیار دشوار خواهد شد.

4 - احیای شخصیت معنوی و انسانی افراد جامعه نیز، از راه های مهم درمان یابیگیری از آلودگی های شهوانی است، زیرا انسان، هنگامی که از ارزش وجود و شخصیت خود، آگاه شود و دریابد که او عصاره جهان آفرینش و گل سر سبد جهان خلقت و خلیفه خدا در روی زمین است، به این سادگی خود را به شهوات نمی فروشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه می فرماید : «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته، کسی که به ارزش وجود خویش پی برد، شهوات در برابر او بی ارزش می شوند» (59) و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده است : «من عرف شرف معناه صائه عن دنائة شهوته...، کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد، او را از پستی شهوت مصون می دارد!...» (60)

آخرین نکته ای که ذکر آن لازم به نظر می رسد، این است که نه تنها در مساله مبارزه با شهوات، بلکه در تمام موارد مبارزه با مفاصد اخلاقی، باید به مساله مبارزه عملی اهمیت داد، به این معنی که هر قدر انسان با خلق و خوی بد به مبارزه برخیزد و در جهت مخالف آن حرکت کند، آن خلق و خواها کم رنگ و ضعیف می شود و این مبارزه از صورت فعلی به صورت حالت و از صورت عادت و از صورت عادت به صورت ملکه در می آید و خلق و خوی ثانوی در جهت مقابل شکل می گیرد، مثلا، اگر انسان بخیل بذل و بخشش را تکرار کند، آتش

بخل به تدریج در درون او فروکش کرده و خاموش می شود.

اگر شهوت پرستان نیز در برابر طغیان شهوات، مقاومت و ایستادگی نمایند، طغیان شهوت فرو نشسته و روح عفت جایگزین آن می شود.

این نکته در سخن پرمعنایی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است : «قاوم الشهوة بالقمع لها تظفر، در برابر شهوت و امیال نفسانی، به قصد قلع و قمع مقاومت کن تا پیروز شوی. (61)»

شکم پرستی و شهوت جنسی

بزرگان علم اخلاق همچون فیض کاشانی در «المحجة البيضاء» و محقق نراقی در «معراج السعادة» و مرحوم شبر در کتاب «الاخلاق» شکم پرستی و شهوت جنسی را به صورت مستقل، مورد بحث قرار داده اند. در واقع از روایات اسلامی و اشاراتی که در آیات قرآن مجید است، پیروی نموده و برای این دو بخش اهمیت ویژه ای قایل شده اند. مرحوم فیض کاشانی در کتاب «المحجة البيضاء» می گوید : «بزرگترین عوامل هلاکت انسان، شهوت شکم است، همان بود که آدم و حوا را از بهشتی که دارالقرار بود به دنیا که دارنیا و افتقار است فرستاد...، در حقیقت شکم سرچشمه شهوات و منشا دردها و آفات است، زیرا حتی شهوت جنسی نیز پیرو آن است و به دنبال این دو، شهوت در جمع آوری مال و مقام است که وسیله ای برای سفره های رنگین تر و زنان بیشتر محسوب می شود و به دنبال آنها، تنازع در دسترسی به مال و مقام و کشمکش ها به وجود می آید و آفت ریا و خودنمایی و تفاخر و تکاثر و خود برتر بینی از آن متولد می گردد، سپس این امور عاملی برای حسد، کینه، عداوت و دشمنی می شود و دارنده آن را به ارتکاب انواع ظلم ها و منکرات و فحشاء می کشاند...، حال که چنین است، لازم است به شرح آفات آن پرداخته شود و طرق مبارزه با آن روشن گردد (62)»

از این خطرناکتر آن است که انسان های شکم پرست و شهوت پرست، دین و ایمان خود را در راه آن از دست داده اند. در ذیل آیه : و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکنوا اول کافر به و لا تشتروا بآیاتی ثمنا قليلا و ایای فاتقون (63) که خداوند در آن یهود را به خاطر فروختن آیات الهی به بهای ناچیز، مذمت می کند، آمده است : جمعی از علمای بزرگ یهود، به خاطر تشکیل مجالس میهمانی پر زرق و برقی از سوی یهودیان برای آنها، آیات الهی را تحریف کردند و عملاً آنها را به بهای ناچیزی فروختند (و پیامبری را که تورات وعده ظهورش را داده بود و آنها سالها در انتظارش بودند، انکار کردند).

در روایات اسلامی نیز بحث گسترده ای درباره خطرهای این دو نوع از شهوت دیده می شود که در ادامه به برخی موارد اشاره می شود :

1 - رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرمایند : «ثلاث اخافهن بعدي علي امتي الضلالة بعد المعرفة و مضلات الفتن و شهوة البطن و الفرج، سه چیز است که از آنها بر اتم بعد از خودم می ترسم، گمراهی بعد از آگاهی و آزمایشهای گمراه کننده و شهوت شکم و شهوت جنسی.» (64)

منظور از گمراهی بعد از آگاهی، این است که انسان بر اثر وسوسه های منحرفان و ایجاد شبهات گوناگون، راه راستی را که شناخته، رها کند و در راه انحراف در آید که این موضوع در هر زمان - مخصوصا در زمان ما - وجود داشته و دارد.

منظور از «مضلات فتن» امتحاناتی است که خداوند برای بندگان پیش می آورد که گاهی انسان ها به خاطر پیروی هوای نفس از عهده آن بر نمی آیند، و منظور از «شهوت بطن و فرج» شکم پرستی و افراط در شهوت

جنسي است.

مفهوم حديث نشان مي دهد، خطري كه از ناحيه اين سه امر، مردم را تهديد مي كند، بسيار جدي است.

2 - پيامبر اكرم صلي الله عليه و اله در جاي ديگر مي فرمايند : «اكثر ما تلج به امتي النار الا جوفان البطن و الفرج، بيشترين چيزي كه سبب دوزخي شدن امت من مي شود، دو چيز ميان تهيه است، شكم و فرج» (65)

3 - امام باقر عليه السلام نيز در اين رابطه مي فرمايند : «اذا شبع البطن طغي، هنگامي كه شكم سير شود، طغيان مي كند.» (66)

4 - آن حضرت در جاي ديگر مي فرمايند : «ما من شيء ابغض الي الله عز و جل من بطن مملوء، هيچ چيزي نزد خداوند، منفورتر از شكم پر (و بيش از اندازه خوردن) نيست.» (67)

5 - امير مؤمنان علي عليه السلام مي فرمايند : «لا يفسد التقوي الا بغلبة الشهوة، تقوا و پرهيزكاري را چيزي جز غلبه شهوت از بين نمي برد.» (68)

6 - حديث ديگري از همان حضرت عليه السلام نقل شده است : «لا تجتمع الحكمة والشهوة، دانش و حكمت با شهوت پرستي جمع نمي شود» (69) .

7 - همان حضرت عليه السلام در جاي ديگر فرموده اند : «ما رفع امرءا كهمته و لا وضعه كشهوته، هيچ چيز مانند همت، انسان را بالا نمي برد و هيچ چيز مانند شهوت، انسان را بر زمين نمي زند.» (70)

پي نوشت ها :

1 - مريم / 59.

2 - مريم / 60.

3 - نساء / 27.

4 - عنكبوت 28 / .

5 - عنكبوت / 29.

6 - عنكبوت / 29.

7 - هود / 77.

8 - هود / 78.

9 - هود / 78.

10 - هود / 79.

11 - هود / 80.

12 - قمر / 34 و 35.

13 - هود / 82.

14 - هود / 82.

15 - اعراف / 80.

16 - اعراف / 82.

17 - اعراف / 83 و 84.

- 18 - الدر المنثور، ج 6، ص 261 به نقل از میزان الحکمة، ج 4، ص 3478، شماره 21400
- 19 - غرر الحکم، حدیث 876.
- 20 - غرر الحکم، حدیث 2121.
- 21 - غرر الحکم، حدیث 2440.
- 22 - همان، حدیث 4527.
- 23 - بحار الانوار، ج 75، ص 243.
- 24 - شرح غرر الحکم، حدیث 5934.
- 25 - غرر الحکم، حدیث 2505.
- 26 - شرح غرر الحکم، حدیث 5985.
- 27 - همان، حدیث 5983.
- 28 - غرر الحکم، حدیث 449.
- 29 - غرر الحکم، حدیث 6300.
- 30 - غرر الحکم، حدیث 4885.
- 31 - شرح غرر الحکم، حدیث 5533.
- 32 - همان، حدیث 7001، ص 566 غرر الحکم.
- 33 - همان، حدیث 8022.
- 34 - همان، حدیث 8591.
- 35 - همان، حدیث 10915.
- 36 - فصلت / 31.
- 37 - زخرف / 71.
- 38 - بحار الانوار ج 74، ص 165.
- 39 - ناصر خسرو
- 40 - شرح غرر الحکم، حدیث 5983.
- 41 - همان مدرک، حدیث 4063.
- 42 - همان، حدیث 5507.
- 43 - غرر الحکم، حدیث 6300.
- 44 - نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث 211.
- 45 - نهج البلاغه، حدیث 922.
- 46 - بر سر میدان رسوایی عشق عالمی را همچو شیدایی ببین (عطار) عاشقان را چه غم از سرزنش دشمن و دوست یا غم دوست خورد یا غم رسوایی را (سعدی)
- 47 - ناصر خسرو.
- 48 - ادب الدنيا و الدين.
- 49 - شرح فارسی غرر الحکم حدیث 8591. نهج البلاغه، کلمات قصار، حدیث 31
- 50 - قیامت / 5 و 6.

- 51 - فرقان / 27 تا 29
- 52 - شرح فارسي غرر، حديث 8226
- 53 - همان، حديث 7953
- 54 - همان، حديث 7205
- 55 - ميزان الحكمة، جلد 4، ص 3484، حديث 21507
- 56 - اصول كافي، جلد 2، ص 373
- 57 - بحار الانوار، ج 50، ص 76
- 58 - نهج البلاغه، كلمات قصار، جمله 390
- 59 - بحار الانوار، ج 78، ص 71
- 60 - غرر الحكم، شماره 9069
- 61 - شرح فارسي غرر الحكم، ج 4، ص 514، ح 6803
- 62 - المحجة البيضاء، ج 5، ص 145
- 63 - بقره / 41
- 64 - اصول كافي، ج 2، ص 79
- 65 - همان.
- 66 - كافي، ج 6، ص 270، حديث 10
- 67 - ؟
- 68 - شرح غرر الحكم، رقم 10606
- 69 - غرر الحكم، رقم 10573
- 70 - همان، ج 6، ص 114، رقم 9707